

شناسایی نسخه‌ای خطی درباره اسطرلاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

سید محمد مظفری

his_sci@yahoo.com

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علم، دانشگاه تهران

در کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده^۱ (National Library of Medicine) آمده است: «قوام‌الدین محمدالحسنی (حدود ۱۱۰۶-۱۱۳۲ق) کتابی دارد به نام «الخامسة القزوينيه» که مشتمل بر پنج شعر تعلیمی در زمینه پزشکی، نجوم، ریاضیات، خطاطی و هدایت خاصه است. نام کتاب دال بر این است که وی در شهر قزوین مشغول به کار و فعالیت بوده است.» نسخه‌ای از کتاب که در این مرکز نگهداری می‌شود، شامل بخش‌های نجومی و ریاضی آن است که به ترتیب *عروة/الاسطرلاب و نظم/الحساب* نام دارند و اولی -چنان که از نامش پیداست- مربوط به اسطرلاب است که در آن شرح این ابزار نجومی و کاربردهای آن به نظم کشیده شده است. در نسخه مربوط به این مرکز تاریخ سرودن شعر *نظم/الحساب*، ۱۱۱۲ق (fol. 48b, Lines 1-2) و تاریخ سرایش *عروة/الاسطرلاب* ۱۱۲۳ق است (fol. 79a). نسخه مذکور مهر مؤلف را در پایان دارد. این نسخه توسط کاتبی حرفه‌ای برای مؤلف استنساخ شده و خود مؤلف این نسخه را تصحیح کرده و مهر وی و توضیحات نسخ در صفحه پایانی آمده است که تاریخ آن ۱۱۳۲ق است؛ بنابراین نسخه مذکور بایست بین تاریخ ۱۱۱۲ و ۱۱۳۲ق نسخه‌برداری شده باشد.

این دو بخش از کتاب به شماره‌های MS A 86 items: 2&3 در این مرکز نگهداری می‌شود و بنا بر اطلاعات ارائه شده توسط این مرکز، تنها یک نسخه دیگر از این کتاب وجود دارد که در کتابخانه شهر موصل، عراق نگهداری می‌شود (شماره MS 294)؛ ولی

1. <http://www.nlm.nih.gov/hmd/arabic/welcome.html>

2. Brockelmann, C., *Geschichte der arabischen Literatur, Supplement*, vol. 1, p. 826 & vol. 2, p. 592.

باید گفت: نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز موجود است (۶ و ۱۵۴۲/۵) که با مقابله ساده صفحات آن می‌توان دریافت این نسخه بخش‌هایی از همان *الخامسة/القرونیه* است. نسخه دانشگاه تهران علاوه بر این دو بخش، حاوی بخش مربوط به طب این رساله نیز هست (۱۵۴۲/۷). بخش مربوط به نجوم (اسطرلاب) این کتاب، مشتمل بر مطالبی برای استخراج پاره‌ای کمیته‌های ساده نجومی از طریق داده‌های رصدی مانند ارتفاع خورشید^۱ است.

آن‌گونه که از چنین رساله‌ای انتظار می‌رود، به مطالب تخصصی در حیطه نجوم آن‌چنان که در آثار وزین منجمان گذشته مانند صوفی رازی، نصیرالدین طوسی و بیرونی در قالب کتاب‌هایی عمدتاً به نام *العمل بالاسطرلاب* نگاشته شده است، نمی‌پردازد و بیشتر کتابی دستی برای استفاده‌های عام و همگانی است. از سوی دیگر، تألیف این کتاب به روزگاری برمی‌گردد که تحشیه‌نویسی و به عبارتی درجا زدن در حد آثار گذشته، سه تا چهار قرن پیش از آن در جهان اسلامی آغاز گشته بود. مؤلفان به جای سیر افزایشی، به تکرار و مرور آثار قدما می‌پرداختند و گاه همان معلومات تجربی و علمی را با انشایی تازه تنسیق می‌کردند. نگارنده که آثار و نسخ خطی مربوط به اسطرلاب را از قرون اولیه اسلام تا دوران صفوی (شیخ بهایی و شیخ عاملی) مطالعه نموده، به عیان این دگرگویی از تجربی‌گرایی قرون ۳-۵ ق تا مدرسی‌گرایی پس از غزالی را مشاهده نموده است. مثلاً در *العمل بالاسطرلاب صوفی رازی یا استیعاب فی علم الاسطرلاب بیرونی* (این رساله غیر از *استیعاب فی وجوه ممکنه فی صنعة الاسطرلاب است*^۲) هدف از نگارش کتاب، آشنایی با علوم اوایل عنوان شده است؛ زیرا آن‌چه که بعدها نصیرالدین طوسی علم الاسطرلاب نامید و آن را از شریف‌ترین شاخه‌های ریاضی دانست، جزو مواردی بود که در جریان نهضت ترجمه وارد جهان اسلام شد. اسطرلاب استاندارد که امروزه در تاریخ علم از آن نام برده و نمونه‌های آن در موزه‌های مختلف

۱. ارتفاع خورشید، بیشینه مقدار ارتفاع خورشید، میل خورشید، عرض بلد، تعدیل، ساعات مستوی و معوج، ارتفاع قطب فلک البروج، تسویه بیوت و ...

۲. اولی درباره کاربردهای اسطرلاب است و دومی درباره انواع و شیوه‌های ساخت و مبانی ریاضی اسطرلاب.

یافت می‌شود، توسط فزاری در نیمه دوم سده هشتم میلادی ساخته شد؛ اما ساخت اسطرلاب به پیش از اسلام (دوران هلنی) بازمی‌گردد؛ اگرچه نمونه‌هایی از آن بر جای نماند، لکن کتب مربوط به کاربردهای اسطرلاب -چنان که ابن‌ندیم می‌گوید- از نویسندگانی نظیر تئون اسکندرانی به دست مسلمانان رسیده بود؛ اما چنان که برمی‌آید روند خطی انتشار علم از یاد مسلمین رفت و منشأ آن که به بطلمیوس و به روایت وی، پیش از او به هیپارخوس/ ابرخس و مهندسان اسکندرانی نظیر ویتروویوس بازمی‌گشت (همان‌گونه که منجمان متقدم تمدن اسلامی می‌دانستند)، به افراد اساطیری نظیر لاب پسر ادیس نبی نسبت داده شد^۱. نظیر این اتفاق برای یافتن منشأ هر علم در گذشته به کرات رخ داده است؛ چنان‌که اخوان‌الصفا نیز در رساله مربوط به نجوم به هنگام برشمردن پیشینیان این علم پس از افراد تاریخی نظیر بطلمیوس، ارسطو و هیپارخوس، به اسطوره هرمس یا اخنوخ و سفر او به فلک زحل می‌رسد؛ ولی در این‌جا به فاصله کمی در ابعاد تاریخی شاهد وقوع همین اتفاق هستیم.

فآلت اطلاعات و یافته‌های علمی در این کتاب (*الخامسة القزوينية*) نه تنها باعث کاهش ارزش تاریخی آن نخواهد بود، بلکه مانع از تلاش برای به دست آوردن دو نسخه دیگر و تصحیح و انتشار آن نخواهد گشت؛ زیرا علاوه بر ایرانی بودن مؤلف، -تا جایی که نگارنده خبر دارد- *عروة‌الاسطرلاب* یکی از دو ارجوزه باقی مانده در این زمینه است^۲.

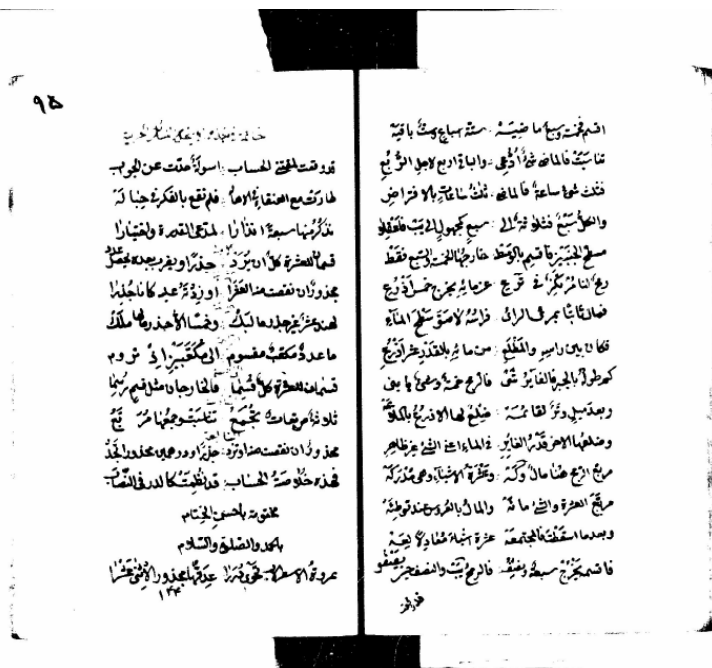
۱. جالب است که نصیرالدین طوسی همین مورد را در *صد باب در معرفه اسطرلاب* می‌آورد. ← نسخه خطی

دانشگاه تهران، ش ۷۵ ب حقوق: ۲.

۲. علاوه بر ابیات شیخ بهایی در زمینه اسطرلاب که نسبتاً معروف است، رساله‌ای منظوم نیز از شیخ محمد وسیم به شماره ۱۵۴۲/۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.



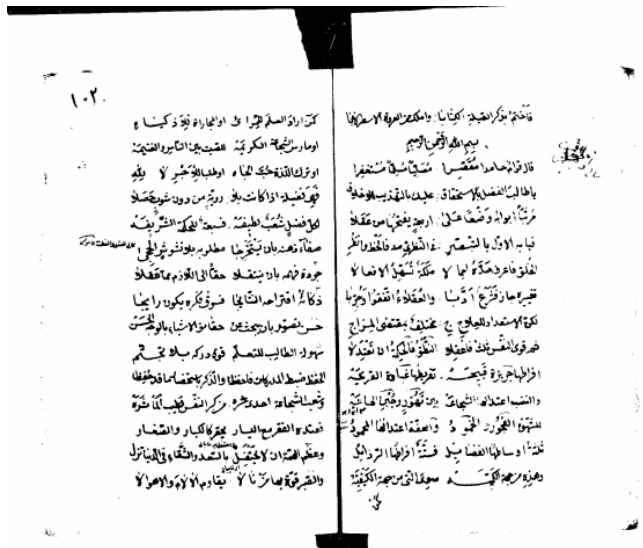
تصویر ۱: صفحات نخست عروة الاسطرلاب و نظم الحساب در کتابخانه ملی پزشکی آمریکا (NLM)



تصویر ۲: صفحه پایانی نظم الحساب و آغاز عروة الاسطرلاب در نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران



تصویر ۳: عروقه لاسطراب (بخش‌هایی که در مستطیل قرار داده شده است، مطالبی است که در صفحه نخست نسخه آمریکا وجود دارد)



تصویر ۴: بخش مربوط به طب در الخامسة/القروبینیة از نسخه دانشگاه